



تأثیر آزادی بیان بر ارتقاء حق سلامت

اکبر ظاهر تر

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

zahertar_a88@yahoo.com

چکیده

آزادی بیان یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی در دموکراسی‌های لیبرال است و در بیشتر قوانین اساسی معاصر و همچنین در معاهدات حقوق بشر بین‌المللی مستحکم شده است و اغلب به عنوان "حق نسل اول" طبقه‌بندی می‌شود حقی که از افراد در برابر مداخله دولت محافظت می‌کند، درک می‌شود که این یک پیش‌نیاز برای وجود یک جامعه لیبرال و یا اینکه ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌های لیبرال از قبیل استقلال، عزت و آزادی دارد. در عین حال، حوزه آنچه سخنرانی می‌کند، چه گفتار باید مورد حمایت قرار گیرد، وزن یا ارزش منتسب به حمایت از گفتار در مقابل سایر حقوق و یا ملاحظات سیاسی، و دلایل حفاظت از آن بسیار بحث‌برانگیز است. این مباحثات دارای مفاهیم سیاسی و قانونی مهمی هستند و آن‌ها در حفاظت دیفرانسیل داده‌شده به سخنرانی در حوزه‌های قضایی مختلف منعکس می‌شوند.

چالش اصلی فلسفی توضیح این است که چرا (و چه) گفتار باید بیشتر (یا متفاوت) نسبت به فعالیت‌های غیرکلامی حمایت شود. هنگامی که از گفتار دفاع می‌کنیم، سخنرانی را نسبت به فعالیت‌های غیرکلامی باز می‌کنیم. بحث اصولی در مورد توجهات حفاظت از گفتار نیز روشن می‌سازد که چه چیزی به عنوان سخنرانی است. تنها اقدام ارتباطی که حداقل به طور بالقوه ارزش‌های زیربنایی حمایت از شمارش گفتار را ترویج می‌دهد. در نتیجه، شناسایی ارزش‌های اساسی در حمایت از گفتار نیز بر آنچه که فعالیت‌ها به عنوان "سخنرانی" حساب می‌کنند تأثیر می‌گذارد، بنابراین، حداقل در گفتمان حقوقی، سؤال از آنچه که به عنوان سخنرانی حساب می‌شود و آنچه که به عنوان یک سخنرانی محافظت می‌شود اغلب با هم مرتبط هستند.

کلیدواژه‌ها: آزادی بیان، حقوق اساسی، دموکراسی لیبرال، قانون، سیاست، حق سلامت



مقدمه

در سال‌های اخیر بسیاری از فمینیست‌ها و اقلیت‌های قومی یا مذهبی، حمایت از انواع خاصی از گفتار را به چالش کشیده‌اند. به طور دقیق‌تر مشخص شد که انواع خاصی از گفتار یا تعارض با حقوق دیگر، به عنوان مثال، برابری یا حتی ممکن است اقلیت‌ها را از توانایی یا توانایی برای ورزش به طور مؤثر برای آزادی بیان خود محروم کند (بحث خفه کردن سکوت). این وظیفه که برخی از چالش‌های پیش رو را در مورد آنچه که سخنرانی را تشکیل می‌دهد و آنچه را که از گفتار محفوظ است را مورد بررسی قرار دهد.

برخی از منتقدان افراطی لیبرالیسم اهمیت و اهمیت آزادی بیان را به چالش می‌کشند. آن‌ها عقیده دارند که آزادی بیان، خفه کردن و سرکوب در مقیاس بزرگ را "تحمل ناپذیری" می‌نامند؛ چرا که گاهی برجسب نامیده می‌شود، یک موضع رادیکال است که اصول سیاسی، سنتی و لیبرال را به نام ارزش‌هایی مانند استقلال و برابری رد می‌کند و به عنوان یک مکانیزم سرکوب‌کننده طراحی شده برای خفه کردن، به جای تسهیل کردن مشورت‌های عمومی واقعی، مخالفت می‌کند.

این چالش‌ها در بخش چهار مورد بررسی قرار خواهند گرفت. ما با اشاره به این که سه موقعیت توصیف‌شده در پایین (لیبرالیسم، minoritarianism، منتقدان لیبرالیسم و منتقدان افراطی لیبرالیسم) فرضیات و ارزش‌های مشابهی را به اشتراک می‌گذارند، نتیجه‌گیری می‌کنیم. به حدی که منتقدان افراطی و رادیکال آزادی خواهانه آزادی بیان را حمایت می‌کنند، به این ترتیب با توسل به ارزش‌های مشابه طرفدار لیبرال‌ها، استقلال، شان و برابری حمایت می‌کنند.

منطقه‌ای برای حفاظت از گفتار

حوزه آنچه که حق بیان آزادانه بیان می‌کند، البته بحث‌برانگیز است. اغلب حوزه آنچه "گفتار" را تشکیل می‌دهد تحت‌تاثیر ملاحظات هنجاری قرار می‌گیرد. با این حال، واضح است که عبارت "سخنرانی" برای توصیف تمام فعالیت‌هایی که به طور سنتی توسط حق بیان آزاد پوشش داده می‌شوند بسیار محدود است. همانطور که Schauer اشاره کرد: "سخن گفتن" در کاربرد معمولی ضرورتاً چیزی نیست که "سخنرانی" برای اهداف مفهوم آزادی بیان است (Schauer 2019: 13).

تکان دادن پرچم، پوشیدن یک دکمه با نمادهای سیاسی و تولید یک فیلم نیز توسط حق آزادی بیان حمایت می‌شود. در مقابل فعالیت‌هایی وجود دارند که به روشنی بیان می‌شوند (به معنای عادی کلمه) که توسط حق آزادی بیان، مانند استخدام کسی برای ارتکاب قتل حمایت نمی‌شود. اغلب حق آزادی بیان از فعالیت ارتباطی است یعنی فعالیت‌هایی که ایده‌ها را منتقل می‌کنند، احساسات و احساسات را بیان می‌کنند و یا نگرش‌هایی را منتقل می‌کنند. با این حال تمام فعالیت‌های ارتباطی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد؛ به طور فیزیکی به فرد حمله می‌کند، به عنوان بیان نفرت از حق آزادی بیان، حتی اگر فعالیت ارتباطی باشد، پوشش داده نمی‌شود.

دیدگاه استاندارد این است که گفتار رایگان از اصل آزادی عمومی متفاوت است. حمایت‌های اعطا شده به گفتار بسیار بزرگ‌تر از حمایت از فعالیت‌هایی هستند که به عنوان سخنرانی طبقه‌بندی نشده‌اند (Schauer 2019: ۸-۹؛ Greenawalt 2020: a). (۱۲۰)



این بدان معنا نیست که حمایت از گفتار مطلق است؛ بیشتر مدافعان حمایت از سخنرانی تصدیق می‌کنند که ملاحظات فوری اغلب نگرانی را برای حفاظت از گفتار باطل می‌کنند. با این حال، نگرانی‌هایی که محدودیت‌ها در مورد گفتار را توجیه می‌کنند باید جدی‌تر، بیشتر یا متفاوت باشد تا به توجیه محدودیت‌های بیشتر آزادی‌ها برسد.

(((بنابراین سؤال این است که چرا گفتار باید در مقایسه با سایر انواع فعالیت‌هایی که ممکن است به اندازه فعالیت‌های غیرکلامی مهم و مهم باشند، حمایت بیشتری داشته باشد؟)))

حمایت خاص از گفتار بخشی از یک پدیده کلی‌تر است که بسیاری از حقوق را توصیف می‌کند؛ حقوق از اشکال خاصی از رفتار، به عنوان مثال، گفتار، مذهب، تساوی و غیره محافظت می‌کند.

بنابراین، آن‌ها حفاظت دیفرانسیل را به فعالیت‌های مختلف ارائه می‌کنند. یکی از چالش‌های بزرگ تئوری حقوق به طور کلی و نظریه‌ای که حفاظت از هر حق خاص را توجیه می‌کند این است که دلایل حفاظت دیفرانسیل فعالیت‌ها را توضیح دهد، که همه آن‌ها منافع مشابهی را تولید می‌کنند و صدمات مشابهی تولید می‌کنند. در متن سخنرانی، ما می‌توانیم بررسی کنیم که چرا باید فعالیت‌های سخنرانی و غیرکلامی که به طور مساوی تقویت می‌شوند (یا به طور کلی، افزایش مقدار به همان اندازه) محافظت شود (Harel 2018)؟ در پایان این بخش باید به این پرسش پردازیم.

بقیه این بخش به توضیح منطقی‌ای که حفاظت از گفتار را توجیه می‌کند اختصاص داده شده است. توجیه‌ها سنتی حمایت از گفتار به دو دسته تقسیم می‌شوند.

در دسته اول، سخنرانی به منظور محافظت از فردی از محدودیت‌ها حمایت می‌شود، حتی زمانی که چنین محدودیت‌هایی برای رفاه مساعد باشد. دغدغه‌های مبتنی بر وقار و مبتنی بر استقلال در این مقوله قرار می‌گیرند؛ حامیان آن‌ها اغلب حفظ می‌کنند که سخنرانی باید حتی زمانی که حفاظت آن برای ارزش‌های اجتماعی مهم مضر باشد، مورد حمایت قرار گیرد.

دسته دوم، حفاظت از سخنرانی توجیه شده است زیرا در دراز مدت برای رفاه اجتماعی مساعد است. این ادعا که حمایت از سخنرانی موجب کشف حقیقت می‌شود، یک نمونه تأثیر گذار از توجیه دسته دوم است؛ آن بر این حدس استوار است که حمایت از گفتار برای جامعه به عنوان یک کل مساعد است. توجه داشته باشید که این تفاوت در نوع توجیه، پیامدهای مهمی دارد. اولین کمپ (اردوگاه دئونتولوژیک deontological) معمولاً کم‌تر مایل به انجام "تعدیل" نگرانی‌های گفتاری با نگرانی‌های غیرکلامی است. در مقابل، کمپ دوم (اردوگاه نتیجه‌گرا consequentialist) حفاظت از سخنرانی به عنوان وسیله‌ای برای ترویج رفاه اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد. در ادامه این سخنرانی، که برای رفاه اجتماعی مساعد نیست، سزاوار حمایت نیست (Nagel 2017: 86 - 89).

بنابراین اجازه دهید چهار توجیه اصلی مورد استفاده در نوشته‌ها را بررسی کنیم:

بازار ایده‌ها

استدلال مبتنی بر استقلال



استدلال

و استدلال دموکراسی

توجه داشته باشید که این توجیهات تنها مجموعه‌ای از توجیهات بالقوه برای حفاظت از حقوق مبتنی بر حقوق هستند و طبقه‌بندی ارائه‌شده در اینجا تنها طبقه‌بندی ارائه‌شده در ادبیات نیست. علاوه بر این، مانند بسیاری از طبقه‌بندی‌ها، استدلال‌هایی وجود دارند که می‌توانند به بیش از یک دسته تقسیم شوند.

بازار ایده‌های تحت نظر بازار متعارف بحث ایده‌ها

حمایت از گفتار در طولانی‌مدت به کشف حقیقت منجر می‌شود. واضح است که این بحث یک استدلال فردی بر پایه حقوق گوینده برای صحبت کردن یا حق مخاطب برای سود بردن از سخنرانی نیست. در عوض، آن مبتنی بر فواید اجتماعی بلند مدت ناشی از حمایت از گفتار است. گفتار ارزش ابزاری در ترویج حقیقت و ترویج حقیقت دارد که از نظر اجتماعی ارزشمند است. یکی از اولین تلاش‌ها برای توجیه حمایت از سخنرانی به قرن هفدهم باز می‌گردد. جان میلتن استدلال کرد که: همه باده‌ای رها شدند تا روی زمین بازی کنند، بنابراین حقیقت در میدان باشد، ما با صدور مجوز و ممنوعیت قدرت او را فسخ می‌کنیم.

بگذار او و Falshood با هم گلاویز شوند؛ چه کسی می‌داند حقیقت در یک برخورد آزاد و آزاد بدتر است؟ (میلتن 2017)

اما چرا باید حقیقت و دروغ با هم گلاویز شوند؟

چرا ما نباید به سادگی دروغ را سانسور کنیم و در نتیجه پیروزی حقیقت را تضمین کنیم؟

چرا پیروزی حقیقت تضمین شده است؟

یک نسخه از نظر فلسفی از این بحث توسط جان استوارت میل، که سه ادعای متمایز را شناسایی کرد (Mill 1859).

در دیدگاه میل

(۱) اگر یک نظر سانسور شده حاوی حقیقت باشد، خفه کردن آن مخرب است چون احتمال بر ملا شدن حقیقت را کاهش می‌دهد. در نظر او: "آزادی کامل تکذیب و رد نظرات ما، همان شرایطی است که ما را توجیه می‌کند!"

(۲) اگر نظرات متضاد هر کدام دارای حقیقتی باشد، برخورد بین آن‌ها تنها روش کشف حقیقت است؛

(۳) حتی اگر نظر نظری در آن نباشد، رقابت بین آن‌ها به چالش کشیده می‌شود و شانس را کاهش می‌دهد که آن به تعصب یا تعصب برسد. Mill famously "عقاید مرده" را با "حقیقت زنده" مقایسه کرد و معتقد بود: "حقیقت حتی از اشتباهات کسی که با توجه به مطالعه و آمادگی برای خود فکر می‌کند، و سپس با نظرات واقعی کسانی که آن‌ها را نگه می‌دارند به این دلیل که از خود رنج نمی‌برند" (2018).



دیدگاه میل بسیار تاثیرگذار بوده است؛ توسط دادگاه‌ها و بسیاری از نظریه پردازان قانونی متعدد (Ingber 2020) تأیید شده است. در یک نظر مخالف که بعدها در آمریکا، قاضی اولیور وندل هولمز پسر شد. استدلال می‌کند که: " بهترین آزمون حقیقت قدرت تفکر برای پذیرفته شدن در رقابت بازار است "

ایالات متحده (2017) ۲۵۰ دانشجوی آمریکایی. این ادعا که بحث‌های قوی منجر به کشف حقیقت می‌شود، جاذبه خاصی را در جهان انگلو - آمریکایی دارد و به توجیه سنتی سیستم رقیب بر مبنای بررسی‌های متقابل تبدیل شده است (Schauer 2018: ۱۶).

از قضا، اقتصاددانان که ابتدا فضایل بازار کالا را شناسایی کردند، به سرعت به ماهیت متناقض این قیاس اشاره کردند. رونالد Coase از سؤال زیر سؤال کرد:

اگر در واقع حفاظت از آزادی بیان در بازار ایده‌ها ریشه گرفته باشد، چرا سخنرانی اینقدر از بازار کالا حمایت می‌کند؟

پاسخ او بدبینانه بود: " بازار عقاید بازاری است که روشنفکر تجارت خود را هدایت می‌کند. توضیح پارادوکس خود - منافع و عزت نفس است.

عزت نفس، روشنفکران را به بزرگ کردن اهمیت بازار خود سوق می‌دهد ... اما علاقه شخصی با اعتماد به نفس ترکیب می‌شود تا اطمینان حاصل شود که در حالی که دیگران تنظیم می‌شوند، مقررات نباید به آن‌ها اعمال شود " (Coase 2017: ۳۸۶؛ Coase 2017: ۱). همچنین خاطر نشان ساخت که شاید انگیزه واقعی حمایت از آزادی بیان، علاقه شدید به حقیقت نیست، بلکه این واقعیت است که مردم عموماً به مبارزه بین حقیقت و دروغ بیش از خود حقیقت علاقه‌مند هستند " (Coase 2018: ۳۹۱)

حتی اگر کسی در نهایت توضیح cynical Coase برای حمایت خاص از سخنرانی در زمینه اعتماد به نفس و اعتماد به نفس را رد کند، رفتار افتراقی یک طرف و کالاها از طرف دیگر چالشی برای طرفداران این بحث محسوب می‌شود. بازار ایده‌ها به وضوح احتمال " ایده‌های درست " را افزایش می‌دهد تا در بازار ایده‌ها ظاهر شود، اما همچنین گسترش ایده‌های نادرست را نیز افزایش می‌دهد (Ingber 2017: 7; Schauer 2017: 28). این ادعا معروف که گفتار نادرست باید با " بیان بیشتر، نه سکوت اجرا شود " براساس یک تعمیم تجربی است که حقیقت شانس بیشتری برای برنده شدن در بازار ایده‌ها دارد. میل خود تصدیق می‌کند که حقیقت اگر مورد آزار و اذیت و آزار و اذیت قرار نگیرد بر این باور نخواهد بود که: " این یک اثر احساساتی بی‌هوده است که حقیقت، صرفاً به عنوان حقیقت، هر قدرت ذاتی را انکار می‌کند که منکر خطا در برابر زندان و سهام است " (۱۸۵۹). با این حال، همان استدلال باید به موردی تعمیم یابد که در آن حقیقت مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گیرد؛ این فرض که آزادی بیان منجر به کشف حقیقت می‌شود چیزی فراتر از یک حدس نیست (Ingber 1984; Schauer 2019: 28; Barendt 2020: 9).

((قدرت و پول ممکن است تأثیر مخربی بر نیرومندی گفتمان عمومی داشته باشد))



علاوه بر این، حتی اگر دفاع از سخنرانی برای حقیقت مساعد باشد، واضح نیست که حقیقت همیشه یا حتی مطلوب است. اغلب مقررات گفتار بر مبنای بحث‌های سیاست عمومی است که هیچ ارتباطی با حقیقت یا دروغ ندارد (Schauer 2019: 22). یک عبارت واقعی از جمله انتشار یک پرونده جنایی از یک متهم ممکن است چشم اندازه‌ای او را برای یک محاکمه عادلانه از بین ببرد.

حالات‌های واقعی ممکن است حریم خصوصی را نقض کنند، ثبات را از بین ببرند و منجر به خشونت شوند. برخی از نظریه پردازان اشاره کرده‌اند که استدلال واقعیت یک فرآیند تفکر منطقی را پیش‌فرض می‌کند و در نتیجه، افراد معقول کمتری وجود دارند، نظریه کم‌تر قوی‌تری است (Schauer 2020: ۳۰، Ingber 2020: ۱۵، بیکر 2019: ۱۴).

بسیاری از افراد شکاک علیه این ادعا استدلال کرده‌اند که حقیقت عینی است و ثابت می‌کند که حقیقت به جای کشف (بیکر 2019) ایجاد شده است (بی کر 2019: ۱۳).

با این وجود، علی‌رغم این مشکلات بدیهی، استدلال‌های بسیار بلند پروازانه‌ای وجود دارد که مبتنی بر بازار ایده‌هایی هستند که شایستگی دارند. میل حق داشت که حتی ایده‌های درست را به چالش بکشد و قدرت و قدرت این ایده‌ها را افزایش دهد. علاوه بر این، همانطور که میل خود متوجه شد، حتی ایده‌های درست به حد توانایی بسیار انتقادی برای بررسی ایده‌ها مساعد هستند، بنابراین، در دراز مدت، ممکن است برای توسعه ابزار انتقادی مشورتی لازم برای ارزیابی حقیقت و دروغ مساعد باشد. تحت این درک، بیان آزاد برای حقیقت مساعد است، زیرا برای توسعه فضایل عقلی مساعد است که به نوبه خود، در حقیقت ابزاری هستند. علاوه بر این، این ادعا که بیان آزادانه برای فضایل معنوی مساعد است، می‌تواند از حمایت از گفتار حمایت کند، حتی اگر توسعه چنین فضایل در حقیقت مساعد نباشد، چرا که به نظر می‌رسد که کمال فضایل معنوی به طور مستقل از این که آیا این کمال برای حقیقت مساعد است یا نه، ارزشمند است یا نه.

استدلال مبتنی بر استقلال

در استدلال استقلال تنها یکی از چندین استدلال لیبرال است که به نفع حمایت از گفتار انجام می‌شود. این استدلال‌ها شامل بحث‌هایی از جانبشان، تنوع و استقلال (Schauer 2018: ۶۰-۷۲) می‌شوند. لازم به ذکر است که بحث مبتنی بر خودمختاری در واقع یک خانواده استدلالی است. یک نظریه پرداز شش مفهوم متمایز استقلال را شناسایی کرد که در دفاع از حق آزادی بیان استفاده می‌شود (Briston 2018). ما در اینجا تنها دو توجیه جداگانه مبتنی بر استقلال را بررسی خواهیم کرد:

یکی براساس مفهوم منفی استقلال و دیگری براساس مفهوم مثبت استقلال.

تحت مفهوم منفی استقلال



استقلال برای حفاظت از افراد از کنترل خارج از حالت و حفظ فضای شخصی برای افراد طراحی شده است؛ در مقابل مفهوم مثبت برای تضمین اعمال واقعی استقلال طراحی شده است. این امر حفاظت از بیرون و یا دخالت‌های خارجی نیست که به عنوان استقلال عمل می‌کند، بلکه اعمال واقعی و فعال نیروهای مشورتی فرد است.

تحت این توجیه براساس مفهوم منفی استقلال، سخن یک حوزه خصوصی است - حوزه‌ای که تحت کنترل انحصاری فرد است. اغلب این بحث بر این اساس استوار است که حمایت از حقوق به جای ارزش ابزاری، ذاتی است (Nagel 2017: ۸۶). حق آزادی بیان، تحت این دیدگاه، عنصر بنیادین و اساسی اخلاق است. توماس Scanlon پیشرفته‌ترین نسخه این بحث را توسعه داد. در دیدگاه Scanlon: " برای اینکه خود را خودمختار بداند باید خود را مستقل از نظر تصمیم‌گیری و در سنجش دلایل رقابتی برای عمل ببیند. ... یک فرد مستقل نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن قضاوت دیگران و یا آنچه که باید انجام دهد را بپذیرد " (Scanlon 2018: ۲۱۵-۲۱۵).

(Nagel 2019: ص ۹۶) در هر دو مورد آنچه که در خطر است، دیدگاه افراد به عنوان عوامل مستقل است، و استقلال با چیزی که می‌تواند حق حاکمیت را از اشکال خاصی از کنترل خارجی تعیین کند، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد. " یک فرد در صورتی مستقل است که بدون زیر سؤال بردن قضاوت دیگران قبول نکند. Scanlon استدلال ابزاری را برای حفاظت از گفتار (بر مبنای رفاه اجتماعی) رد می‌کند و در عوض رویکردهای مختلفی را اتخاذ می‌کند. اگر قرار باشد سخنرانی صرفاً براساس تاثیرات بحث‌برانگیز، ادعاهای تجربی در مورد تاثیرات مثبت بلند مدت یا تاثیرات منفی محدودیت‌ها حمایت شود، آنگاه اصل آزادی بیان در برابر چالش‌های تجربی و عوامل مشروط در رابطه با اثرات اجتماعی مورد انتظار آن، آسیب‌پذیر است (Scanlon 2020: ۲۰۵). بحث خود را با یک مشاهده بسیار مهم و به ظاهر متناقض آغاز می‌کند. حق آزادی بیان محدودیت‌ها در کلام را نه تنها محدودیت‌هایی را هدف قرار می‌دهد بلکه تنها محدودیت‌هایی است که در توجیه برخی از این محدودیت‌ها بوجود آمده است. به خصوص زیان‌آور، محدودیت‌هایی هستند که بر مبنای این ریسک هستند که نظراتی که به آن‌ها منتقل می‌شود باید باور داشته باشند یا عمل کنند (Scanlon 2020: ۲۰۹).

خود Scanlon بعدها موثرترین نقد از دیدگاه منفی خودمختاری را براساس مفهوم مثبت خودمختاری توسعه داد (Scanlon 2020).

به شدت بین استقلال به عنوان محدودیت در توجیه قدرت (براساس نهاد اخلاقی افراد) تمایز قائل می‌شود و استقلال اخلاقی به عنوان توانایی واقعی برای اعمال قضاوت عقلانی مستقل شناخته می‌شود (Scanlon 2019: 533). تمرین چنین قضاوت منوط به محیطی است که برای ایجاد چنین قضاوت مناسب است. تحت این دیدگاه، حفاظت از استقلال ممکن است حتی محدودیت‌های گفتار را توجیه کند، چرا که اعمال حق بیان آزاد، محیطی را پیش‌فرض می‌کند که برای تأمل و برخی اشکال گفتار برای اعمال چنین حقی مضر است. آنچه واقعاً مهم است پرورش محیطی است که برای تأمل منطقی سودمند است (Barendt 2020: 17). در حالی که این دیدگاه به وضوح برای سو استفاده باز است، در این امر بسیار واقعی‌تر است که واقعیت‌های تأمل در جامعه را جدی می‌گیرد و به طور خاص، این واقعیت که استقلال یک محصول طبیعی پیش تعیین شده نیست، که در جوامع خاص توسعه می‌یابد. از این رو، همانطور که در پاراگراف‌های قبلی گفتیم، محدودیت‌های گفتار می‌تواند



در نیاز به تقویت استقلال و حتی تسهیل و تداوم ظرفیت برای اعمال حق بیان آزادانه، ایجاد شود. به عنوان مثال، اشکال خاصی از گفتار، پورنوگرافی و گفتار نژادپرستانه مانع، طرد و ساکت کردن زنان و اقلیت‌ها می‌شود، محدود کردن این نوع گفتار ممکن است برای حفاظت از حق بیان آزادانه سودمند باشد.

برخی از طرفداران مفهوم مثبت استقلال بر این حقیقت تاکید دارند که تنوع بیان، عمومی است نه خیر فردی که برای تسهیل "تصویر عمومی و بیان اشکال زندگی" طراحی شده است که "سبک‌های زندگی تصویر شده را تأیید می‌کند." وجود "اشکال زندگی" در این دیدگاه پیش شرط استقلال فردی است. مسیحی بودن، یهودی بودن یا ملحد بودن دارای معانی اجتماعی است و چنین معنایی برای این اشکال زندگی برای ارتقا استقلال فردی ضروری است. آزادی بیان برای "آشنایی عموم با شیوه‌های زندگی" طراحی شده است؛ برای "اطمینان دادن به شیوه‌های زندگی به تصویر کشیده می‌شوند که آن‌ها تنها نیستند، که مشکلات آن‌ها مشکلات مشترکی هستند، که تجربیات آن‌ها به عنوان دیگران شناخته می‌شود." راض ادامه می‌دهد که اعتبار بخشیدن به شکل زندگی شخصی اغلب با رد دیگر اشکال زندگی ضروری است. از این رو او معتقد است که حتی اگر محکومیت مذهبی همجنس‌گرایی اشتباه باشد، بخشی از نوعی زندگی است که باید تحمل شود. این به این دلیل است که "مخالفت، محکومیت و حتی دشمنی با جنبه‌های خاص زندگی رقیب، عنصری ضروری از هر روش زندگی است" (راض 2017: 166).

با این حال، این توجیه قانع‌کننده از مشکلات اشاره‌شده در بالا رنج می‌برد. نمایش منفی اشکال رقیب زندگی ممکن است در واقع به شکل زندگی خود فرد تبدیل شود، اما ممکن است برای کسانی که اشکال زندگی آن‌ها به طور منفی به تصویر کشیده می‌شود، مخرب باشد.

این امر به ویژه زمانی درست است که افرادی که شکل زندگی آن‌ها به طور منفی به تصویر کشیده می‌شود آسیب‌پذیر باشند و در نتیجه نمی‌توانند بدون تأیید یا هم‌کاری کسانی که شیوه زندگی خود را محکوم می‌کنند، زندگی خود را رهبری کنند. همجنس‌گرایان متعلق به یک جامعه مذهبی یا زنان در جامعه سنتی اسلامی یا یهودی وابسته به جامعه خود از نظر روانی و اقتصادی هستند و با این حال ممکن است متوجه شوند که شیوه ترجیحی زندگی آن‌ها به حاشیه رانده شده است.

درک مثبت استقلال در توصیه‌های خود از درک منفی استقلال، به شدت انحراف دارد. با این حال اجرای آن در عمل مشکلات جدی را به همراه دارد، چرا که برای دستکاری و استفاده از آن باز است. یک محیط حاصلخیز برای استقلال باید شامل یک محیط بسیار مبهم باشد و چنین تصمیماتی باید براساس تعمیم‌ها تجربی که بسیار بحث‌برانگیز هستند، باشد. به طور قابل توجهی، مفهوم مثبت استقلال گاهی به نتیجه‌گرا ابزاری نزدیک‌تر است؛ مدافعان آن اغلب حمایت از گفتار و مقررات آن را به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد یک گفتمان اجتماعی و سیاسی قوی‌تر در نظر می‌گیرند. در نهایت، برخی از نظریه پردازان نگرانی خود را در مورد استقلال (هم منفی و هم مثبت) مطرح کردند و استدلال کردند که استقلال نمی‌تواند حق آزادی بیان را توجیه کند. در دیدگاه آن‌ها، استقلال یک ارزش فرقه‌ای است (کوهن، 2020: 222). این یک ارزش است که انواع لیبرال زندگی را مشخص می‌کند اما توسط دیگران به اشتراک گذاشته نمی‌شود. توجیه برای دفاع باید نه تنها به لیبرال‌ها اعتراض کند؛ بلکه باید حتی کسانی که استقلال را به عنوان یک ارزش سیاسی مرکزی رد می‌کنند، مورد خطاب قرار دهد.



استدلال خودتحقق/خود رشد/خودشکوفایی

نیز مشابه توجیه تاثیرگذار دیگری برای بیان آزادی بیان است که اشکال مختلفی را می‌طلبد. تحت این دیدگاه، حمایت از گفتار برای افراد خودتوسعه و خود کمال مطلوب است. این دیدگاه مبتنی بر یک دیدگاه خاص از انسان‌ها به عنوان تلاش برای رشد و ارتقا است. این امر توسط برخی از نظریه پردازان در مفاهیم ارسطویی از زندگی خوب درک شده است (Schauer 2018: 49).

استدلال خود رشد

می‌تواند به عنوان یک استدلال فردگرا یا به عنوان یک آرگومان نتیجه گرا تفسیر شود. تحت اولین تفسیر، فرد حق خود به رشد خود به خود را حتی با هزینه سایر ارزش‌های اجتماعی مهم (از جمله ارزش به حداکثر رساندن خود و رسیدن افراد در جامعه) دارد.

تفسیر دوم، حمایت از آزادی بیان برای تسهیل، حفظ یا حتی به حداکثر رساندن رشد خود - رشد افراد در جامعه طراحی شده است.

مخالفان این استدلال خاطر نشان ساخته‌اند که درک این موضوع که چرا بیان آزادانه برای خود رشد و خود به نسبت به آزادی‌های دیگر اساسی است، دشوار است. بعد از همه، فعالیت‌های غیرکلامی دیگر به اندازه گفتار ضروری هستند (Barendt 2017: 13) تصمیم من برای قدم زدن برهنه در شهر اورشلیم ممکن است برای رشد خود به عنوان دفاع شفاهی از برهنگی که اهمیت معنوی و رهایی بخش آن را برجسته می‌کند ضروری باشد. با این حال تصمیم قبلی مورد حمایت قرار نگرفته است در حالی که تصمیم دوم اتخاذ می‌شود. در حقیقت، به نظر می‌رسد که این دیدگاه بیش از حد بر برخی اشکال، یعنی خود - تحقق عقلی با هزینه شکل‌های دیگر تحقق خود تاکید می‌کند. بنابراین موضوع مربوط به نگرانی‌های مطرح شده از سوی Coase است که امتیاز ویژه کلام در جامعه ما نسبت به منافع روشنفکران در هزینه منافع گروه‌های دیگر متمایل است.

علاوه بر این، شک است که تمام اشکال گفتاری، که در حال حاضر مورد حمایت قرار می‌گیرند، در واقع برای خود رشد خود موافق هستند. یکی از مشهورترین موارد سخنرانی آزاد تصمیم حفاظت از راهپیمایی نازی‌ها در Skokie, ایلینویز (شهری است که توسط قربانیان یهودی هولوکاست اشغال شده است). به نظر نمی‌رسد که این راهپیمایی برای تحقق بخشیدن به قربانیان مساعد باشد؛ اگر چیزی که این مردم بیشتر احتمال آن را دارند که از این حرکت مرعوب شوند. همچنین این سؤال وجود دارد که آیا این راهپیمایی به رشد خود رشد خود شرکت کنندگان در راهپیمایی کمک می‌کند. پس از آن، رشد خود یک مفهوم هنجاری است که در تلاش برای بهبود و کمال است. به حدی که خود رشد و خود رشد از اولویت‌های یک فرد متفاوت است، یعنی این مفهومی است که براساس یک آرمان هنجاری بنیان نهاده شده است، سخن معترضان نازی حتی برای کمک به رشد خود نازی‌ها نیز مؤثر نیست.

دفاع دموکراتیک از آزادی بیان



در میان توجیهات کلاسیک برای آزادی بیان، این ادعا است که آزادی بیان یک پیش‌نیاز برای دموکراسی است. از آنجا که مفهوم دموکراسی بحث‌برانگیز است، انتظار می‌رود که چندین آرگومان‌های مختلف برای دموکراسی وجود داشته باشد. آیا دموکراسی به عنوان یک روش رویه‌ای در زمینه عدالت یا برابری ارزشمند است؟ یا اینکه آیا براساس احتمال بیشتر تصمیمات مطلوب برای بیرون آمدن از یک فرآیند دموکراتیک است؟ اگر وضعیت سابق باشد، مطلوبیت بیان آزاد به کیفیت آن یا عواقب مورد انتظار آن بستگی ندارد. اگر این مورد دوم باشد، پس آنچه به حساب می‌آید، مشارکت منطقی و یا مشورتی (که به احتمال زیاد منجر به تصمیم‌گیری‌های خوب یا مطلوب می‌شود) و دامنه حمایت از گفتار باید این نگرانی را منعکس کند.

یکی از حامیان اصلی توجیه دموکراسی Meiklejohn است که موقعیت خود را به عنوان یک تئوری تفسیر قانون اساسی ایالات متحده توسعه می‌دهد (Meiklejohn 2017). به نظر وی، دفاع دموکراتیک از آزادی بیان مبتنی بر ضرورت ارائه همه اطلاعات موجود در حوزه انتخابیه می‌باشد. از آنجا که مردم نیاز به تصمیم‌گیری دارند، باید اطلاعات لازم برای اتخاذ چنین تصمیماتی را فراهم کنند. بنابراین محدود کردن کلام برای فرآیند دموکراتیک مضر است، زیرا این امر توانایی افراد را به دلایل سیاسی تضعیف می‌کند. به علاوه، به نظر می‌رسد که آزادی بیان به این ادراک متکی است که سیاستمداران بجای استادن خدمت می‌کنند. آزادی بیان برای انتقال خواسته‌های رأی دهندگان به دولت و در نتیجه تضمین مسئولیت‌پذیری در بخشی از دولت ضروری است (Schauer 2019: 37 - 39). همچنین آزادی بیان برای نظارت و نظارت بر سیاستمداران ضروری است. سیاستمدارانی که در معرض قدرت افکار عمومی قرار دارند، به احتمال زیاد نسبت به فشار افکار عمومی واکنش نشان می‌دهند و مطابق با منافع رأی دهندگان تصمیم‌گیری می‌کنند. Amartya برای مثال نشان داده‌است: "یک مطبوعات آزاد و یک اپوزیسیون فعال سیاسی، بهترین سیستم هشدار دهنده را تشکیل می‌دهند که کشوری تهدید می‌کند که قحطی می‌تواند داشته باشد" (سن 2019: ۱۸۱).

توجیه دموکراتیک همانطور که توسط Meiklejohn بیان شد، محدود به سخنرانی سیاسی بود. شناسایی این که چه سخنرانی سیاسی چیست، همیشه آسان نیست. مسلماً، می‌توان آن را به دو روش کاملاً متفاوت شناسایی کرد. در ابتدا، یک سخنرانی سیاسی بر پایه نیت سخنرانان تعریف می‌شود در حالی که تحت عنوان دومی، براساس پیامدهای آن تعریف می‌شود (Scanlon 2019: 538).

اگر سخنرانی سیاسی براساس عواقب آن تعریف شود، حوزه سخنرانی سیاسی می‌تواند بسیار وسیع‌تر باشد، به عنوان سخنرانی که با تغییر ارزش‌های اجتماعی و آداب اجتماعی بر جامعه و سیاست آن تأثیر گذار نیست. به عنوان مثال، فمینیست‌ها بر این حقیقت تأکید دارند که پورنوگرافی باید به عنوان سخنرانی سیاسی درک شود (حتی با وجود این که در نظر گرفته نشده است)، همانطور که بر دیدگاه‌ها و تصاویر زنان و مردان در جامعه تأثیر می‌گذارد.

علی‌رغم این پسوندها بالقوه، استدلال دموکراتیک محدود است چون فقط برای سخنرانی سیاسی قابل استفاده است. بنابراین دفاع از حمایت هنری یا علمی نیازمند توجیه جداگانه‌ای است (Barendt 2017: ۱۸-۱۹). برخی ممکن است استدلال کنند که تمایز قائل شدن بین کلام سیاسی و مقوله‌های دیگر بیان نامطلوب است و اهمیت حوزه سیاسی را به قیمت سایر حوزه‌های فعالیت نشان می‌دهد. علاوه بر این، همانطور که Schauer اشاره می‌کند، استفاده از چنین استدلالی پارادوکسیکال است، چرا



که یک دموکراسی می‌تواند در حقیقت محدودیت‌های گفتار را توجیه کند اگر این محدودیت‌ها توسط مردم حمایت شود (Schauer 2019: ۴۱).

چنین بحثی می‌تواند بر این اساس استوار باشد که دموکراسی یک روش صرفاً خالی نیست. اراده مردم تنها به این دلیل ارزشمند است که مبتنی بر اطلاعات است، همان طور که تفکر استدلال شده باید براساس چنین اطلاعاتی پایه‌ریزی شود. با این حال همیشه این واقعیت وجود ندارد که فراهم کردن اطلاعات بیشتر در حقیقت با اجرای تفکر منطقی و تصمیم‌گیری منطقی سازگار است. این فرض ساده نه تنها حس مشترک و تجربه تاریخی را نادیده می‌گیرد بلکه ادبیات مدرن معاصر از اقتصاد رفتاری را نادیده می‌گیرد که نشان می‌دهد اطلاعات اغلب برای تصمیم‌گیری‌های منطقی مضر است. همچنین نابرابری‌های بزرگ قدرت را نادیده می‌گیرد که اغلب فرآیند سیاسی را تحریف می‌کنند. آیا برخی محدودیت‌ها در قدرت غنی و قدرتمند برای صحبت کردن در مورد گفتمان دموکراتیک بهتر و بیش از آنچه که مشخصه دموکراسی غربی معاصر است، نیست؟ برای نشان دادن اهمیت زیاد این سؤال، کافی است که بحث داغ بر سر بودجه کمپین در ایالات متحده را نشان دهیم. کسانی که آرزوی تأمین مالی کمپین محدود کردن را دارند، نفوذ و نفوذ شرکت‌های بزرگ در روند سیاسی را تحریف می‌کنند.

این نگرانی‌ها یادآور یک معمای آشنا هستند: یا استدلال دموکراسی، جنبه‌های رویه‌ای دموکراسی یا آن در حوزه‌های دیگر، ملاحظات سیاسی است. اگر تنها روش عمل کند، شخص ممکن است حمایت حق آزادی بیان را توجیه کند، اما روشن نیست که چرا چنین رویه‌ای بسیار ارزشمند است. به همین ترتیب، ممکن است براساس این عقیده باشد که مشورت استدلال منطقی به خودی خود و یا براساس سهم رویه‌های دموکراتیک در ایجاد حق، درست یا مطلوب، ارزش دارد. در چنین مواردی، توجیه درخواست قانع‌کننده از هدف - تضمین امنیت موسساتی که برای مشورت منطقی مساعد هستند، آسان‌تر است. با این حال، تعیین اینکه چرا دفاع از سخنرانی برای تحقق این هدف سودمند است، دشوارتر است. لزوماً این نیست که تمام اشکال گفتاری موجب تأمل و تعمق منطقی می‌گردند.

تلاش برای توسعه یک توجیه دموکراتیک جدید برای حمایت از گفتار می‌تواند در مفهوم " فرهنگ دموکراتیک " (Balkin) (2020) یافت شود. تحت این دیدگاه، در عصر اینترنت، یک فرصت عملی برای تغییر معنای دموکراسی از درک سنتی دموکراسی به عنوان نگرانی با یکپارچگی فرآیند دموکراسی به مفهوم وسیع‌تر و گسترده‌تر دموکراسی به عنوان فراهم کردن فرصت برابر برای مشارکت در ایجاد فرهنگ وجود دارد. آزادی بیان " به مردم عادی اجازه می‌دهد تا آزادانه در گسترش ایده‌ها و ایجاد مفاهیمی که به نوبه خود به آن‌ها کمک می‌کنند، شرکت کنند (Balkin 2020: 3). این درک مفهوم دموکراسی (معادل با فرصت برابر برای مشارکت در ایجاد فرهنگ) فاصله یکی از معانی سیاسی واژه " دموکراسی " را درک می‌کند؛ آن متناسب با استدلال خود رشد است که در بالا آنالیز شد و در معرض نگرانی‌های موجود در آنجا قرار دارد.

پارادوکس حق آزادی بیان: قطعنامه آزمایشی

ما برخی از موثرترین بحث‌های طرفدار حفاظت از سخنرانی را بررسی کرده‌ایم.



در حالی که هر یک از توجیهات نقاط قوت و ضعف خود را دارد، همه آن‌ها در معرض چالشی هستند که کاملاً در گفتمان حقوق آشنا است. حقوق، اغلب استدلال می‌شود که در ارزش‌ها، برای مثال، خودمختاری، خود تحقق، خود تحقق، ریشه دارند. ما دیده‌ایم که بیشتر توجیهات برای آزادی بیان در این ارزش‌ها وجود ندارد. اما اگر این مورد باشد، چرا باید از حقوق بیشتر حمایت کنیم نه ارزش‌های زیربنایی حقوق؟ به عنوان مثال، اگر حفاظت از گفتار به خودمختاری داده شود، چرا قانون اساسی و لایحه حقوق بشر از گفتار به جای تمام فعالیت‌های تقویت خودمختاری، حمایت می‌کند؟ و یا اگر در خود تحقق ریشه داشته باشد، چرا ما از تمام فعالیت‌ها حمایت نمی‌کنیم که به تحقق خود منجر می‌شوند؟

یک پاسخ طبیعی عملگرا است. به عنوان ترویج ارزش‌های بنیادین حقوق اساسی، ما باید قوانین ویژه‌ای اتخاذ کنیم که برای محدود کردن مؤسسات ما طراحی شده‌اند. در متن سخنرانی آزاد، اغلب اینگونه استدلال می‌شود که دولت‌ها غیرقابل اعتماد هستند و به طور خاص متمایل به تنظیم گفتار به دلایل بد هستند تا دلایل خوب (Barendt 2019: 21 - 23). تحت این دیدگاه، حقوق ما (شامل حق آزادی بیان) واقعیت اساسی اخلاقی را منعکس نمی‌کند، یعنی ارزش بزرگ فعالیت‌ها یا کالاهای حمایت‌شده توسط حقوق؛ بلکه صرفاً منعکس‌کننده ملاحظات نهادی و عملی است. ما از حق آزادی بیان حمایت می‌کنیم (و نه تمام فعالیت‌های بهبود خودمختاری) زیرا قانون‌گذاران و مدیران اجرایی احتمالاً به دلایل اشتباه و به شیوه‌ای اشتباه، سخنرانی را محدود می‌کنند (اما نه سایر فعالیت‌های بهبود خودمختاری).

پیشنهاد دیگر برای حل این تناقض، شناسایی ارزش‌هایی است که تنها با حمایت از حقوق مربوطه در معرض خطر، ترویج می‌شوند. بنابراین، در متن سخنرانی، جاشوا کوهن سعی کرد آنچه را که او باور دارد به طور متمایز منافع و علایق بیان کند - منافع که می‌تواند تنها با حمایت از سخنرانی ارتقا یابد (کوهن 2018، ۲۲۵ - ۲۳۰). با این حال تلاش برای شناسایی منافع منحصر به فرد برای بیان، مصنوعی است. به نظر می‌رسد که بیان به ارزش‌های بالا وابسته است که اغلب نه تنها با بیان بلکه با ارزش‌های دیگر ترویج می‌شود. برای مثال کوهن علاقه به پرداختن به "موضوع عدالت سیاسی" را شناسایی می‌کند، اما پرداختن به چنین موضوعی می‌تواند به طریقی به غیر از کلام، برای مثال، با مشارکت در آنچه که در آن به عنوان وظایف مدنی فرد در نظر گرفته می‌شود، به دست آید.

دو تلاش بالا برای حل این تناقض توضیح داده شدند -

دفاع عملگرا و ادعای اینکه به طور متمایز منجر به شکست می‌شوند.

خوشبختانه یک دیدگاه جایگزین وجود دارد که تحت آن توجیه اولیه برای حفاظت از حق آزادی بیان (به جای تمام فعالیت‌های تقویت خودمختاری) این است که افزایش استقلال به کنوانسیون‌های اجتماعی حمایت از شیوه‌های خاص به منظور افزایش استقلال بستگی دارد. در جوامعی که در آن‌ها سخنرانی برای خودمختاری انجام می‌شود، مردم از سخنرانی در شیوه‌های بهبود خودمختاری استفاده می‌کنند. در نتیجه وابستگی نزدیک به ارزش‌ها و فعالیت‌های حمایت‌شده توسط حقوق وجود دارد، به طوری که حمایت از مجموعه مشخصی از فعالیت‌ها به منظور افزایش استقلال عمل خودمختاری را تسهیل می‌کند. ارتقا و تقویت استقلال باید شکل عینی داشته باشد، یعنی باید در شناسایی و حفاظت از فعالیت‌هایی که در حال



افزایش استقلال هستند، داده شود. این ارزش‌ها را نمی‌توان بدون آنکه فعالیت‌هایی را که حفاظت آن‌ها برای تحقق آن‌ها ضروری است، مشخص کند.

مشخص کردن آنچه که فعالیت‌های تقویت مختاری یک نقش آموزشی و اساسی در تسهیل اجرای استقلال دارند. حقوق، از جمله حق آزادی بیان، اضافی نیستند و ارزش حمایت آن‌ها به ارزش‌های زیربنایی این حقوق کاهش نمی‌یابد (Harel 2020). استقلال حتی در اصل نمی‌تواند بدون حمایت از فعالیت‌های دارای استقلال خاص معین ارتقا یابد، به عنوان مثال، سخن گفتن.

چالش‌های اقلیت‌گرایی

در سال‌های اخیر، موثرترین چالش‌های تئوری برای حمایت از گفتار، چالش برانگیزی است براساس این ادعا که فیلم‌های پورنوگرافی و تنفر از گروه‌های اقلیت (مانند اقلیت‌های نژادی، اقلیت‌های جنسیتی) برای منافع حیاتی اقلیت‌ها زیان‌آور است.

چالش‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد

نگرانی‌های بیرونی و نگرانی‌های درونی

نگرانی‌های امنیتی پیشین اشاره می‌کنند که حمایت از گفتار اغلب محل علایق و یا حقوق اقلیت‌ها است و حمایت مؤثر از آن منافع یا حقوق به سانسور برخی اشکال سخنرانی نیاز دارد.

بنابراین بحث شده‌است که حمایت از سخنرانی نژادپرستانه برای برابری زیان‌آور است و گاهی اوقات برابری باید نگرانی‌های گفتاری آزاد را باطل کند. نگرانی‌های ذاتی مبتنی بر درک دقیق‌تر از چیزی است که صحبت از آن تشکیل شده‌است؛ آن‌ها براساس این دیدگاه هستند که حمایت حقیقی از آزادی بیان گاهی نیاز به تحمیل محدودیت‌ها در گفتار به عنوان انواع خاصی از اقلیت‌ها دارد و از این که قادر به اعمال حق خود برای آزادی بیان یا جلوگیری از بیان آن‌ها باشند، نیاز دارد. استعاره قوی " صدا خفه کردن " اغلب برای انتقال این ادعاها مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتیجه این است که آزادی بیان بهتر از محدود کردن برخی محدودیت‌های گفتار، افزایش می‌یابد.

بسیاری از چالش‌های اقلیت‌گرا به طور واضح به عنوان چالش‌های عملی با هدف تبدیل این قانون و به طور خاص، حمایت شدید از سخنرانی تحت متمم اول قانون اساسی آمریکا طراحی شدند. این نگرانی عملی اغلب محل نگرانی‌های فلسفی است، چرا که چالش‌های اقلیت‌گرا در نیاز به رسیدگی به نکات دقیق قانون اساسی آمریکا هستند. از این رو، آن‌ها همیشه برای اهداف تحقیقات نظری موافق نیستند. با این حال، برخی از چالش‌های اقلیت‌گرا به لحاظ فلسفی مهم هستند، چرا که برخی از ابهامات مربوط به حوزه و معنای حق آزادی بیان و حقوق عمومی را آشکار می‌کنند. حوزه سخنرانی چیست و چه شکل‌های گفتاری نیز عمل می‌کنند؟ آیا حق آزادی بیان به گونه‌ای طراحی شود که ورزش سمت راست را به حداکثر می‌رساند، یعنی، محیطی را حفظ کرده و ارتقا می‌دهد که برای اعمال چنین حقی مساعد است؟

آیا باید ملاحظات عدالت توزیعی را مد نظر قرار دهد، یعنی اولویت دادن به سخنرانی گروه‌های آسیب‌پذیر که بیان آن‌ها کم‌تر شنیده می‌شود، به هزینه گروه‌های آسیب‌پذیر؟

آیا باید نه تنها حق سخنرانی آزاد را تضمین کند بلکه فرصت‌هایی برای این سخنرانی فراهم آورد تا شنیده شود؟



همانطور که بیشتر کاره‌ای پیچیده در مورد این مسائل در زمینه پورنوگرافی انجام شده‌است، بررسی ما بر روی این اثر تمرکز خواهد داشت. با این حال، این استدلال‌ها برای دیگر اشکال گفتاری، به عنوان مثال، سخنرانی نژادپرستانه قابل استفاده هستند. بخش‌های زیر این ادعاها را مورد بررسی قرار می‌دهند که پورنوگرافی یک عمل و در نتیجه تنظیم‌کننده آن، به جای محدود کردن حمایت از گفتار، ترویج می‌دهد.

آیا گفتار پورنوگرافی است

فمینیست از دیرباز استدلال کرده که پورنوگرافی، خشونت، آزار جنسی و تبعیض علیه زنان را تقویت می‌کند. با این حال، این دیدگاه، پورنوگرافی را از دیگر اشکال بیان محافظت‌شده متمایز نمی‌کند که ممکن است به خشونت و تبعیض کمک کند. برای پرداختن به این موضوع، کاترین MacKinnon و Andrea Dworkin بر این باورند که پورنوگرافی نباید به عنوان سخنرانی طبقه‌بندی شود بلکه (یا اصولاً) به عنوان یک عمل (MacKinnon 2020: 148, a. Dworkin 2019).

پورنوگرافی به سادگی تحت تعقیب زنان نیست؛ بلکه عمل فرمانبرداری است! در حکم ضد پورنوگرافی معروف که توسط شورای شهر ایندیانا در سال ۱۹۸۴ تصویب شد (اما بعدها به دلیل نقض حق آزادی بیان free)، پورنوگرافی به صورت زیر تعریف شد:

مطالب صریح زنان در تصاویر و کلمات، لزوماً تابع برابری جنسیتی نیستند.

این تعریف با تعریف سنتی متفاوت است که در آن پورنوگرافی با مواد صریح جنسی شناسایی می‌شود و یا به دقت، به عنوان مواد صریح جنسی که برای ایجاد برانگیختگی جنسی طراحی شده‌اند.

در واقع، برخی از فمینیست مایل به گسترش تعریف پورنوگرافی، حتی برای موادی هستند که از نظر جنسی صریح نیستند. این ادعاها ممکن است این ظن را مطرح کنند که بحث در مورد هرزه‌نگاری صرفاً معنایی است؛ دو اردوگاه به سادگی از اصطلاح "پورنوگرافی" برای نشان دادن چیزهای مختلف استفاده می‌کنند.

این سو ظن گمراه‌کننده است. برخی از نظریه پردازان معتقدند که مطالب صریح جنسی (از جمله موادی که به تصویر کشیدن زنان می‌پردازند)، در واقع نمی‌توانند زیردست باشند. براساس این دیدگاه، انسان باید به شدت میان تصویرسازی از فرمانبرداری، تمایز قائل شود (که ممکن است به تبعیت از آن نیز تداوم بخشد) و عمل فرمانبرداری را ادامه دهد. در داوری معروفی که در روزنامه Indianapolis به چاپ رسید،

فرانک h. Easterbrook اذعان داشت که پورنوگرافی، فرمانبرداری زنان را به تصویر می‌کشد و علاوه بر این، این تصویرسازی تمایل به تداوم دادن دارد. ۲ دی ۳۲۳ (2020): ۳۲۹.

با این حال، این مساله از آن دسته از زیردستان هرزه‌نگاری نیست. چالش فمینیستی این است که آنچه را که در زمینه پورنوگرافی است، به سادگی نشان دهد و آن را به سادگی به تصویر بکشد و آن را به بیان آن ادامه دهد.



فیلسوفان فمینیست از این ادعا دفاع کرده‌اند که هرزه‌نگاری نوعی عمل تحت تبعیت است (و نه صرفاً توصیه از فرمانبرداری) است.

اعمال عباراتی کنش‌های گفتاری هستند که جهان را تغییر یا تحت تاثیر قرار می‌دهند

تحمل سرکوبگرانه

در یک مقاله مشهور (که به طور کلی توسط نظریه پردازان لیبرال نادیده گرفته شده‌است)، هربرت Marcuse تحمل لیبرال را به عنوان یک ابزار سرکوبگر توصیف می‌کند. در دیدگاه او، تحمل ابزاری برای تقویت انفعال و مشروعیت بخش یک اجماع کاذب که بر نادانی گزینه‌های پیشرو و تلقین سیستماتیک آن استوار است. علاوه بر این، Marcuse استدلال کرد: "تحمل که دامنه و محتوای آزادی را گسترش داد همیشه تعصب حزبی بود ... در جامعه لیبرال ایجاد شده انگلستان و ایالات متحده، آزادی بیان و مجلس حتی به دشمنان رادیکال جامعه نیز اعطا شد، مشروط بر اینکه آن‌ها این انتقال را از کلمه به عمل، از سخنرانی به عمل، از گفتار تا عمل، انجام ندهند (2019).

بحث و نتیجه‌گیری

ما یک دایره‌ای از آزادی بیان را کامل کردیم. ما با تحلیل منطقه‌ای سنتی برای بیان آزادی بیان کردیم:

بازار ایده‌ها،

استقلال،

خودمختاری،

و استدلال دموکراسی.

ما به پارادوکس در گفتمان حقوق - پارادوکس رفتار دیفرانسیل فعالیت‌ها اشاره کردیم.

اگر چه چیزی که زیربنای حمایت از کلام است استقلال یا خود درک است، چرا باید به جای حفاظت از این ارزش‌ها، از گفتار حمایت کنیم؟

آیا ما با حفاظت از آن به جای حفاظت از ارزش‌های زیربنایی آن صحبت نمی‌کنیم؟

ما پیشنهاد کردیم که شاید حمایت از استقلال به کنوانسیون‌های اجتماعی مربوط به حفاظت از شیوه‌های خاص به منظور افزایش خودمختاری بستگی دارد. بنابراین وابستگی نزدیکی بین ارزش‌ها و فعالیت‌های حفاظت شده توسط حقوق وجود دارد، مانند حفاظت از یک مجموعه از فعالیت‌ها به منظور افزایش استقلال، شناسایی و تحقق استقلال را تسهیل می‌کند. ما برگشتیم به بررسی معاصر از حمایت از آزادی بیان.

ما پیچیدگی حق آزادی بیان را با ایجاد این که مشخص نیست مرز بین گفتار و عمل چیست و اینکه چه شکل‌های گفتاری واقعاً رهایی بخش و چه چیزی سکوت را تشکیل می‌دهد، نشان داده‌ایم.



ما به انتقاد رادیکال Marcuse از تحمل سرکوب گرانه تبدیل شدیم. ما متوجه شدیم که در حالی که در برخی از جنبه‌ها، این در واقع یک انتقاد افراطی است، آن بر روی ارزش‌ها و حساسیت لیبرال‌ها سنتی، استقلال، آزادی، درک نفس، و غیره تأسیس شده‌است. وظیفه بزرگ دموکراسی‌های لیبرال، حمایت از گفتار به عنوان یک روش مکانیکی نیست بلکه ایجاد و حفظ پیش‌شرط برای بیان استقلال و آزادی است. این ایده‌آل توسط لیبرال‌ها، منتقدان اقلیت‌گرا آن‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود.

منابع

1. *Abrams v. United States* (2018) 250 U.S. 616.
2. *American Booksellers v. Hudnut* (2019) 771 F.2d 323 (7th Cir. 1985). Baker, C. E. (1982) *Human Liberty and Freedom of Speech*, New York: Oxford University Press.
3. Balkin, J. (2014) "Digital Speech and Democratic Culture: A Theory of Freedom of Expression for the Information Society," 79 *New York University Law Review*: 1–55.
4. Barendt, E. (1982)? [see page 19] Barendt, E. [if 1982 reference added above, Barendt, E. here should be replaced with ____ (four underscore spaces)] (2018) *Freedom of Speech*, 2nd edition, Oxford: Oxford University Press.
5. Briston, S. (2018) "The Autonomy Defense of Free Speech," 108 *Ethics*: 312–339.
6. Chomsky, N. (1994) *Secrets, Lies and Democracy*, Tucson, AZ: Odonian Press.
7. Coase, R. H. (2020) "The Market for Goods and the Market for Ideas," 64 *The American Economic Review*: 384–391. (2020) "Advertising and Free Speech," 6 *The Journal of Legal Studies*: 1–34.
8. Cohen, J. (2018) "Freedom of Expression," *Philosophy and Public Affairs*: 207–263.
9. Dworkin, A. (2017) *Pornography: Men Possessing Women*, New York: Plume. Dworkin, R. (2017) "MacKinnon's Words," in *Freedom's Law: The Moral Reading of the American Constitution*, Cambridge, Mass: Harvard University Press, p. 214.
10. Green, L. (2019) "Pornographizing, Subordination, and Silencing," in R. Post, ed., *Censorship and Silencing: Practices of Cultural Regulation*, Los Angeles: Getty Research Institute, pp. 285–311.
11. Greenawalt, K. (2019a) *Speech, Crime, and the Uses of Language*, New York: Oxford University Press.
12. ____ (2018b) "Free Speech Justifications," 89 *Columbia Law Review*: 119–155. Harel, A. (2018) "The Regulation of Speech: A Normative Investigation of Criminal Law Prohibitions of Speech," in D. Kretzmer and F. Kershman Hazan, eds., *Freedom of Speech and Incitement Against Democracy*, The Hague, Netherlands: Kluwer Law International, pp. 247–274.
13. ____ (2015) "Theories of Rights" in M. P. Golding and W. A. Edmundson, eds., *The Blackwell Guide to Philosophy of Law and Legal Theory*, Malden, Mass.: Blackwell Publishing, pp. 191–206.
14. ____ (2018) "Is Pornography an Act of Subordination? A Response to Langton," forthcoming, *Jerusalem Review of Legal Studies*.
15. Hornsby, J. (2020) "Speech Acts and Pornography," in S. Dwyer, ed., *The Problem of Pornography*, Belmont, CA: Wadsworth Publishing, pp. 220–232.
16. Ingber, S. (2020) "The Marketplace of Ideas: A Legitimizing Myth," *Duke Law Journal*: 1–91.
17. Langton, R. (2020) "Speech Acts and Unspeakable Acts" in R. Langton, *Sexual Solipsism: Philosophical Essays on Pornography and Objectification*, Oxford: Oxford University Press, pp. 25–63.
18. MacKinnon, C. (2017) *Feminism Unmodified: Discourses on Life and Law*, Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
19. Marcuse, H. (2018) "Repressive Tolerance," in R. P. Wolff, B. Moore, Jr. and H. Marcuse, *A Critique of Pure Tolerance*, Boston: Beacon Press, pp. 95–137.
20. Meiklejohn, A. (2017) *Free Speech and Its Relation to Self-Government*, New York: Harper & Brothers Publishers.
21. Mill, J. S. (1859) *On Liberty*. Milton, J. (2019) *Areopagitica: A Speech of Mr. John Milton for the Liberty of Unlicensed Printing to the Parliament of England*.
22. Nagel, T. (2019) "Personal Rights and Public Space," 24 *Philosophy and Public Affairs*: 83–107.
23. Raz, J. (2019) "Free Expression and Personal Identification," in J. Raz, *Ethics in the Public Domain: Essays in the Morality of Law and Politics*, Oxford: Clarendon Press, pp. 146–169.



24. Scanlon, T. (2020) "A Theory of Freedom of Expression," 1 *Philosophy and Public Affairs*: 204–226.
25. ____ (2020) "Freedom of Expression and Categories of Expression," 40 *University of Pittsburgh Law Review*: 519–550. Schauer, F. (2020) *Free Speech: A Philosophical Enquiry*, Cambridge: Cambridge University Press.
26. *Schenck v. United States* (1919) 249 U.S. 47. Sen, A. (2017) *Development as Freedom*, New York: Knopf.
27. Taylor, C. (2017) "Atomism," in C. Taylor, *Philosophical Papers Volume II: Philosophy and the Human Sciences*, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 187–209.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق
کنفرانس ملی ارتقای سلامت اجتماعی حقوقی پزشکی فراروی
NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION &
IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



The Impact of Freedom of Speech on Promoting Right to Health

Akbar Zahertar

M.A Student in Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

zahertar_a88@yahoo.com

Abstract

Freedom of expression is one of the most important fundamental rights in liberal democracies and is enshrined in most contemporary constitutions as well as in international human rights treaties and is often classified as a "first-generation right". that this is a prerequisite for the existence of a liberal society or that it is closely related to liberal values such as independence, dignity and freedom. At the same time, the scope of what speech is, what speech should be protected, the weight or value attributed to protecting speech against other rights or political considerations, and the reasons for protecting it are highly contested. These debates have important political and legal implications, and they are reflected in the differential protection given to speech in different jurisdictions.

The main philosophical challenge is to explain why (and what) speech should be supported more (or differently) than non-verbal activities. When we defend speech, we open up speech to nonverbal activities. A fundamental discussion of the justifications for protecting speech also clarifies what constitutes speech. The only communication action that at least potentially promotes the underlying values of advocacy counts. As a result, the identification of fundamental values in the protection of speech also affects what activities count as "speech," thus, at least in legal discourse, the question of what counts as speech and what is protected as speech. are often related.

Keywords: Freedom of Speech, Constitutional Rights, Liberal Democracy, Act, Politics, The Right to Health